

نابرابری بیشتر، اشتغال زایی کمتر

در دولت های یازدهم و دوازدهم ضریب جینی به عنوان شاخص نابرابری، بیشتر شد و تعداد شاغلان فقط در حد یک چهارم هدف گذاری افزایش یافته است

حقگو- افزایش نابرابری طی دولت های یازدهم و دوازدهم و اشتغال زایی به میزان یک چهارم اهداف پیش بینی شده، نشان می دهد در این دو عرصه دولت فعلی توفیقی نداشته است.

انفجار میلیونرها همزمان با توسعه فقر در سال های اخیر
نابرابری، یکی از مولفه های مهم رفاه اقتصادی در یک جامعه است. برای سنجش این مولفه در اقتصاد، چندین شاخص وجود دارد. با این حال، می توان مهم ترین شاخص ها در این زمینه را ضریب جینی دانست. این ضریب که رقی بین صفر و یک است، هرچه بیشتر باشد، از نابرابری بیشتر در جامعه حکایت می کند و برعکس. از این منظر، محک عملکرد دولت های یازدهم و دوازدهم، بیانگر بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد بین ایرانیان در هشت سال گذشته است. طبق داده های مرکز آمار ایران، از سال ۹۲ تا ۹۸، ضریب جینی از رقم ۰/۳۶ به حدود ۰/۴ رسیده و در یک سال نیز، سقف یاد شده را رد کرده است. از سوی دیگر برای سال ۹۹ نیز برخی آمارها حاکی از بدتر شدن وضعیت نابرابری اقتصادی در ایران است. یک علت این موضوع را علاوه بر روند کلی سال های اخیر، می توان شیوع کرونا دانست که طبق آمارهای جهانی موجب افزایش نابرابری در جهان شده است. به تازگی نیز نشریه معتبر فوربس ضمن اشاره به افزایش نابرابری در اقتصاد ایران، از رشد انفجاری

تعداد میلیونرها در کشورمان خبر داده است. به گزارش فرارو، این مجله گزارش داده که ایران با ۲۵۰ هزار نفر میلیونر، چهاردهمین کشور دنیا از نظر تعداد میلیونرهاست. این در شرایطی است که حدود ۶۰ درصد از جمعیت ایران زیر «خط فقر رسمی» و حدود ۳۰ درصد هم زیر «خط فقر مطلق» زندگی می کنند.

بنا بر این گزارش، نوسان شدید بورس همزمان با دسترسی به رانت اطلاعاتی توسط ثروتمندان و نیز گسترش استخراج رمز ارزها، این رشد شکاف درآمدی بین عده ای اندک اما بسیار ثروتمند با طبقه ای بزرگ از فقرا را رقم زده است.

اشتغال یک چهارم هدف گذاری

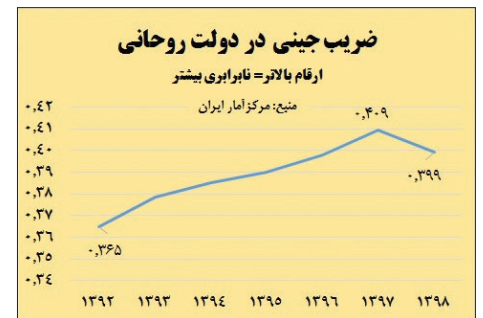
دولت های یازدهم و دوازدهم در شرایطی وارد عرصه فعالیت شدند که عملاً موج افزایش جمعیت در دهه ۶۰ وارد سن اشتغال شده و از اواسط دهه ۸۰ بحران اشتغال، دولت های قبل را به تکاپو انداخته اما در عمل اشتغال چندانی ایجاد نشده بود. در چنین شرایطی دولت یازدهم در نخستین سال فعالیت خود در سال ۹۲، با حدود ۲/۵ میلیون بیکار و ۲۱ میلیون و ۳۴۰ هزار شاغل و نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصدی مواجه بود و باید برای تداوم اشتغال افراد شاغل موجود و رفع بیکاری بیکاران اقدام می کرد. آمارهای این هشت سال (دولت های یازدهم و دوازدهم) نشان می دهد تعداد شاغلان از سال ۹۲ تا ۹۹، حدود یک میلیون و ۹۱۷ هزار نفر افزایش یافته است. با این حال تعداد بیکاران فقط حدود ۱۴ هزار نفر کاهش یافته است. به این ترتیب در شرایطی که در این سال ها بیشترین جمعیت در سنین ۲۵



تا ۴۰ سالگی قرار داشتند، در عمل فقط سالانه حدود ۲۴۰ هزار شغل ایجاد شده است. این در حالی است که بر اساس اعلام مسئولان وزارت کار و مرکز آمار در چند سال اخیر، نیاز سالانه کشور به اشتغال جدید ۸۰۰ هزار تا یک میلیون شغل پیش بینی می شد. به این ترتیب اشتغال محقق شده یک چهارم نیاز بازار است.

معمای کاهش نرخ بیکاری

گزارش های مرکز آمار نشان می دهد طی سال های اخیر به ویژه دو سال آخر دولت روحانی که همراه با شوک های بازگشت تحریم ها و کرونا به بازار کار بود، نرخ بیکاری کاهش یافت و از بیش از ۱۲ درصد در سال های ۹۵ و ۹۶ به ۹/۶ درصد در سال ۹۹ کاهش یافت اما این کاهش نرخ بیکاری به دلیل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی رخ داده که در پی ناامیدی از پیدا کردن کار بوده است. بنابراین می بینیم که با وجود افت نرخ بیکاری، تعداد بیکاران تغییر چندانی نداشته و تعداد شاغلان نیز رشد اندکی داشته است. بنابراین کاهش نرخ بیکاری، ملاک اصلی برای محاسبه وضعیت بازار کار نیست بلکه تعداد شاغلان و تعداد بیکاران باید مدنظر قرار گیرد.



آوار مسکن بر سر دولت رئیسی

دولت سیزدهم با تقاضای انباشته و گرانی سرسام آور مسکن، برای تولید سالانه ۱/۵ میلیون با چالش های سختی رو به روست

حسن زاده- مسکن با کارنامه افزایش ۷/۸ برابری قیمت در تهران از متری ۳/۸ میلیون تومان در مرداد ۹۲ به ۲۹ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در خرداد ۱۴۰۰ و افزایش سهم مسکن در هزینه های خانوارهای شهری از ۳۳/۵ درصد در سال ۹۲ به ۳۷/۳ درصد در سال ۹۹ شرایط سختی را پیش روی خانوارهای ایرانی قرار داده و دولت سیزدهم را با چالشی سنگین برای تامین مسکن مواجه کرده است. در این میان برآوردهای وزارت راه و شهرسازی نشان می دهد که در سال ۹۹، سهم متوسط اجاره بهای یک واحد مسکونی ۷۵ متری از درآمد خانوارهای شهری، در تهران و کلان شهرها ۶۴ درصد، در مراکز استان ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۵۹ درصد و در شهرهای زیر ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ۴۹ درصد بوده است.

این در حالی است که میانگین ساخت مسکن در سال های ۹۳ تا ۹۹ کمتر از ۴۰۰ هزار دستگاه در سال بود. محاسبات کارشناسان نشان می دهد اکنون کشور نیاز به ساخت سالانه ۱/۵ میلیون مسکن دارد.

طی چند سال اخیر میانگین از دواج در هر سال حدود ۸۰۰ هزار از دواج بوده است که نیاز جدید بازار مسکن محسوب می شود. وجود ۸ میلیون واحد مسکونی فرسوده و ضرورت وجود چند صد هزار واحد مسکونی به عنوان ذخیره طبیعی مسکن در بازار، ایجاب می کند که از سال ۱۴۰۰ تا

سال ۱۴۰۴ بیش از ۶ میلیون واحد مسکونی تولید و به بازار عرضه شود. بنابراین میزان نیاز واقعی کشور تولید ۱/۵ میلیون واحد در سال طی چهار سال آینده است. در هر حال برای پاسخ به این تقاضا، دولت سیزدهم برنامه ساخت یک میلیون مسکن در سال را مطرح کرده است. دو روز قبل نیز سید ابراهیم رئیسی در نشست با فعالان و کارشناسان بخش مسکن، ضمن تکرار این رقم هدف گذاری شده اعلام کرد: «تأمین زمین برای ساخت حداقل یک میلیون مسکن در سال در محدوده شهرها و روستاها با فوریت و بدون تأخیر در اولویت اقدامات قرار گیرد.» با

این حال مهم ترین چالش برای رسیدن به این رقم، منابع مالی است. به نظر می رسد تامین منابع از محل پایه پولی، مشابه روشی که برای مسکن مهر انجام شد، با توجه به تبعات تورمی آن چندان مدنظر نباشد. در این میان طرح مصوب مجلس درباره مسکن، به نظام بانکی تکلیف کرده است که ۲۰ درصد منابع نظام بانکی به بخش مسکن اختصاص یابد. این در حالی است که طی سال های اخیر سهم مسکن از تسهیلات بانکی کاهش چشمگیری یافته است و

در سه ماه نخست سال فقط ۴/۶ درصد تسهیلات بانک ها به مسکن رسیده است. (نمودار) به این ترتیب بانک ها باید ۴ تا ۵ برابر ارقام موجود به بخش مسکن تسهیلات دهند که تحقق این مسئله ممکن است زمان ببرد.

در هر صورت ایده هایی مبنی بر ایجاد شهرهای جدید در مناطقی از جمله سواحل مکران، توسعه شهرهای جدید در اطراف شهرهای بزرگ و سرمایه گذاری در سیستم حمل و نقل ریلی سریع و ارزان از این شهرها به شهرهای اصلی، مهم ترین راهبردهای توسعه بخش مسکن در سال های پیش روست که باید ببینیم تا چه اندازه محقق می شود.

